

## معرفی فرقه کیسانیه و بررسی وضعیت شیعیان در دوره امامت امام سجاد علیه السلام در زمان پیدایش این فرقه

احسان ترکمان\*

### چکیده

دوره امامت امام سجاد علیه السلام و به خصوص آغاز آن از شرایط خاصی برخوردار بود. در این زمان بیشتر پیروان خاص اهل بیت \* در کربلا به شهادت رسیده بودند و هم اینان بودند که هسته اصلی جامعه شیعه اعتقادی و اصیل شیعه را شکل داده بودند. سایر شیعیان و محبین اهل بیت \* نیز پس از واقعه کربلا در بدترین شرایط کمی و کیفی قرار گرفته بودند و از طرف دیگر فشار و اختناقی که بر باقی مانده اهل بیت \* و سایر علویان و محبین از طرف بنی امیه حاکم بود، راه ارتباطی را میان امام سجاد علیه السلام و پیروان اهل بیت \* به حداقل رسانده بود. در همین زمان عده‌ای از علویان و محبین، معتقد به امامت محمد بن حنفیه، فرزند امام علی علیه السلام شده و به کیسانیه معروف شدند. ظرف زمانی شکل‌گیری این فرقه، همین زمان یعنی پس از شهادت امام حسین علیه السلام است اما در اینکه به طور دقیق چه چیزی سبب اولیه تولد این فرقه گردید، منابع از گویایی و روشنی برخوردار نیستند. عمر این فرقه شیعی زیاد به طول نینجامید و در فرقه‌ها و گروه‌های دیگر به مرور هضم و به تدریج حذف شد، اما تأثیرات مهمی را در شیعه، دیگر فرق و ساختار حکومت بجای گذاشت. نوشتار حاضر به معرفی این فرقه و نیز بررسی وضعیت پیروان اهل بیت عصمت علیهم السلام در این بازه زمانی می‌پردازد.

### واژه‌های کلیدی

امام سجاد علیه السلام، کیسانیه، محمد بن حنفیه، مختار، علویان.

---

\*. دانش آموخته سطح دو گرایش تاریخ اسلام، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام.

## مقدمه

پس از رحلت رسول گرامی اسلام ﷺ انشعابات<sup>۱</sup> در جامعه اسلامی پدید آمد که بنا بر تحلیل و نقل اکثر اصحاب ملل و نحل، مبنایی‌ترین اصلی که خاستگاه به وجود آمدن انشعابات و دسته‌بندی‌های مختلف در متن جامعه اسلامی گردید، مسئله امامت و رهبری در حوزه دینی و سیاسی بود و حتی می‌توان معیار بودن مسئله امامت را به قبل از درگذشت پیامبر اکرم ﷺ بازگرداند. فضیلت و برتری امیر المؤمنین علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بر سایرین، انتخاب او از ناحیه پروردگار به‌عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، تعیین وی از سوی خدا و به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواقع مختلف و از همه مشهورتر در یوم غدیر خم از همان زمان صدر اسلام و حیات پیامبر صلی الله علیه و آله باعث ایجاد دودستگی و موافقین و مخالفین در جامعه اسلامی شد.

گزارش‌های تاریخی از تعبیر رسول خدا صلی الله علیه و آله مبنی بر وجود پیروان و یاران علی علیه السلام در زمان حیات رسول خدا، حاکی از وجود طرفداران و نیز وجود غیر یاوران او از همان زمان است،<sup>۱</sup> تا آنجا که چهار تن از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام‌های ابوذر غفاری، سلمان فارسی، مقداد بن اسود کندی و عمار بن یاسر در همان زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله با لقب «شیعه علی علیه السلام» شناخته می‌شدند<sup>۲</sup> که این تعیین و تشخیص بیانگر وجود یاران خاص آن حضرت صلی الله علیه و آله علاوه بر وجود دو جریان عامی بود که مسلمانان نخستین را در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دو بخش تقسیم می‌کرد: یکی دوستداران و هواداران علی علیه السلام و دیگری مقابلان آن‌ها.

پس مسئله جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامت و رهبری از همان ابتدا نقطه ایجاد افتراق در متن جامعه اسلامی شد و این مسئله در دوران بعدی همچنان مهم‌ترین دلیل و اساسی‌ترین موضوع پدید آمدن فرقه‌های بعدی را به خود اختصاص داد و حتی در دل فرقه‌های اصلی باعث ایجاد انشعابات فرعی گسترده‌ای گردید.

از جمله فرقه‌هایی که در بعضی از آثار و منابع ملل و نحل و فرقه شناختی از آن

۱. تاریخ شیعه، ص ۳۴، ۴۰.

۲. المقالات و الفرق، ص ۲۵.

یادشده است، فرقه کیسانیه است که آن را یکی از چهار فرقه اصلی شیعه برشمرده‌اند<sup>۱</sup>، هرچند در چگونگی پیدایش و نقطه آغاز حیات این فرقه هم‌داستان نیستند و در سیر تطورات این فرقه نظرات گوناگونی را مطرح شده است اما در این‌که از اعتقادات اصلی کیسانیه اعتقاد به پیشوایی محمد بن حنفیه فرزند امام علی علیه السلام است، اتفاق نظر وجود دارد. همچنین انشعابات همچون کربیه، مختاریه، سمعانیه و هاشمیه برای این فرقه برشمرده‌اند اما هیچ‌یک ادامه حیات پیدا نکردند و کیسانیه هم در گذر زمان، از بین رفت.

### کیسانیه

«کِیس» در لغت به معنای عاقل و «کِیس» به معنای خلاف حمق آمده است و نیز کیسان به معنی زیرکی است<sup>۲</sup> و «کیسانیه» نام فرقه‌ای، از فرقه‌های شیعه و از اولین آن‌ها برشمرده شده است.<sup>۳</sup> عمر این فرقه با زیرشاخه‌های فرعی آن چندان طولانی نشد و به سرعت از میان رفت. ظرف زمان حیات این فرقه نیمه دوم قرن اول هجری و نیمه اول قرن دوم هجری بود اما علی‌رغم عمر کوتاه، تأثیرات مهمی را در ساختار حکومت و خلافت به این فرقه شیعی نسبت داده‌اند.

در مورد وجه تسمیه این فرقه به کیسانیه چند وجه بیان شده است:

- یکی این‌که «کیسان» لقب مختار بن ابی عبید ثقفی بوده است و چون او رهبر این فرقه بوده است لذا به این لقب نامیده شد.<sup>۴</sup>
- وجه دیگر آن‌که «کیسان» شخصیتی غیر از مختار است که با وی همکاری و رابطه خاصی داشته است اما در مورد این‌که او کیست ابهام وجود دارد.<sup>۵</sup>
- وجه سوم: «کیسان» لقب رئیس پلیس مختار در کوفه است.<sup>۶</sup>

۱. برای نمونه ن ک: فرق الشیعه، ص ۲۶، ۲۹؛ المقالات و الفرق، ص ۲۶.

۲. لسان العرب، ج ۶، صص ۲۰۱، ۲۰۲.

۳. از جمله بهترین و دست اول‌ترین منابع فرقه شناختی راجع به فرقه کیسانیه، کتاب فرق الشیعه نوبختی است، سپس کتاب المقالات و الفرق اشعری قمی که متنی مشابه با فرق الشیعه دارد.

۴. فرق الشیعه، ص ۲۳؛ المقالات الاسلامیین، ج ۱، صص ۸۹، ۹۰؛ الفرق بین الفرق، ص ۳۸.

۵. فرق الشیعه، صص ۲۳، ۲۴؛ الفرق بین الفرق، ص ۳۸، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۷۰.

۶. فرق الشیعه، صص ۴۲، ۴۴.



## پیدایش و تطورات

آنچه در مورد پیدایش و سیر تطورات فرقه کیسانیه در منابع آمده است، انباشته‌ای از اطلاعات پراکنده و گاهی نامرتب است، منابع در این‌که حیات کیسانیه از کجا آغاز شد، هم‌داستان نیستند ولی با توجه به همین اطلاعات پراکنده و نامرتب، پیدایش فرقه کیسانیه را باید از شروع اعتقاد به امامت محمد بن حنیفه فرزند امام علی علیه السلام دانست، اما در این‌که - آغاز این اعتقاد در میان گروهی از شیعه به این صورت که وی را جانشین امام قبلی بدانند - از چه زمان و نقطه‌ای شروع شد، اختلاف و ابهام وجود دارد.

۱۴۴

به‌عنوان مثال ابوالحسن نوبختی، متکلم امامی، در فرق الشیعه آورده است که: «پس از شهادت امام علی علیه السلام گروهی که امامت او را از جانب خدا می‌دانستند به سه گروه تقسیم شدند...»<sup>۱</sup> و پس از ذکر گروه اول و دوم در معرفی گروه سوم می‌گوید: «... گروهی قائل به امامت محمد بن حنیفه شدند و گفتند که چون او در جنگ بصره پرچم سپاه را در دست داشت و نه برادران دیگرش، پس امامت از آن اوست، این دسته را کیسانیه گویند.»<sup>۲</sup> سپس در شرح احوال گروه‌های شیعه پس از شهادت امام حسین علیه السلام می‌آورد: گروهی به امامت محمد بن حنیفه پس از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام درآمدند.<sup>۳</sup>

بنابراین نوبختی پیدایش کیسانیه را پس از شهادت امام علی علیه السلام می‌داند و پیوستن گروهی از پیروان امام حسین علیه السلام را پس از شهادت ایشان به معتقدین به امامت محمد بن حنیفه را به‌عنوان سیر تطورات این فرقه آورده است.

وی در ادامه می‌آورد:

پس از شهادت امام حسین علیه السلام گروهی از پیروان او به امامت محمد بن حنیفه پس از امام علی علیه السلام به‌عنوان امام پس از امام علی علیه السلام معتقد شدند و حتی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را در صلح و جنگ فرمان‌بردار محمد بن حنیفه پنداشتند. نوبختی این گروه را

۱. فرق الشیعه، ص ۲۴.

۲. فرق الشیعه، صص ۲۴، ۲۵.

۳. همان، صص ۲۷، ۲۸.

نیز کیسانیه خوانده است.<sup>۱</sup>

طبق گزارش‌های نوبختی از نقطه شروع حیات کیسانیه و تطوراتی که او برای این فرقه ذکر می‌کند، می‌توان فرقه کیسانیه را به سه گروه تقسیم کرد:

۱- کسانی که پس از شهادت امام علی علیه السلام به امامت محمد بن حنیفه معتقد شدند.

۲- کسانی که پس از شهادت امام حسین علیه السلام به امامت محمد بن حنیفه به‌عنوان امام پس از امام حسین علیه السلام معتقد شدند.

۳- کسانی که پس از شهادت امام حسین علیه السلام به امامت محمد بن حنیفه به‌عنوان امام پس از امام علی علیه السلام معتقد شدند.

۱۴۵

منبع مهم دیگر فرقه شناسی، کتاب المقالات والفرق نوشته سعد بن عبدالله اشعری قمی، محدث امامی، متوفای اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم است که بسیار شبیه کتاب نوبختی است تا آنجا که محققین معاصر بر این باورند که وی از کتاب نوبختی در نوشتن بخش اول کتاب خود استفاده کرده است.

منبع بعدی کتاب اصول النحل نوشته ناشی اکبر (۲۹۳ق) است، نویسنده این کتاب نیز مانند نوبختی در سخن از فرقه‌های شیعه از چند منبع متقدم استفاده کرده است، اما اطلاعات تازه او بیشتر به بیان عقاید کیسانیه مرتبط است.

منبع بعدی کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین ابوالحسن اشعری (۳۳۴ق) است، وی فرقه کیسانیه و همه انشعاباتش را ذیل روافض جای می‌دهد ولی به وجه تفاوت کیسانیه با دیگر روافض به‌صورت جداگانه پرداخته است و هرگونه اختلافی را در میان کیسانیه، مبنای انشعاب و تقسیم قرار داده است. به‌این ترتیب در گزارش او کیسانیه به یازده فرقه تقسیم می‌شوند و نقطه شروع کیسانیه را اختلاف در امامت پس از امام علی علیه السلام قرار داده است.

منبع بعدی را می‌توان کتاب الفرق بین الفرق عبدالقاهر بغدادی (۴۲۹ق) قرار داد، او غیر امامی است و به اطلاعات کتاب ابوالحسن اشعری در باب فرقه‌های شیعه مراجعه کرده است.

کتاب الملل و النحل شهرستانی (۵۶۸ق) را می‌توان منبع دیگر دانست، او نیز مانند بغدادی شیعیان را به کیسانیه، زیدیه و امامیه تقسیم می‌کند، اما در معرفی و بیان شرح احوال کیسانیه برخلاف بغدادی سخنش را به مختاریه منحصر می‌کند با این توجیه که مختاریه، نخستین تصویر را از فرقه کیسانیه در روزگار مختار ثقفی ارائه می‌کند و آغاز حیات کیسانیه را قیام مختار و پس از شهادت امام حسین علیه السلام می‌داند.

منابعی که از آنها یاد شد از جمله مهم‌ترین منابع جهت بررسی فرق و به‌خصوص کیسانیه محسوب می‌شوند و با توجه به عدم هماهنگی بین آنها در مورد فرقه کیسانیه، پیدایش و تطوراتش، این سؤال پیش می‌آید که: چگونه می‌توان نقطه شروع حیات این فرقه و تطورات واقع‌شده تاریخی آنها را مشخص کرد؟

در پاسخ به این پرسش لازم است به چند نکته توجه شود و آنها را به‌عنوان شواهد و قرائن کنار یکدیگر قرارداد تا به نتیجه‌ای هر چه بیشتر نزدیک به واقع دست پیدا کرد:

۱- در روایات و احادیث شیعه ابوابی با این عناوین وجود دارد:

(۱) الردود علی کیسانیه ؛ (۲) الکیسانیه و محمد بن حنیفه ؛ (۳) انقراض الکیسانیه ؛

(۴) عقاید الکیسانیه ؛ (۵) محمد بن حنیفه عند الکیسانیه و...

وجود چنین عناوینی در روایات اهل بیت علیهم السلام می‌تواند نشان‌دهنده پیدایش چنین فرقه‌ای در میان شیعه باشد و البته پرواضح است که بررسی اسناد و محتوای این احادیث لازم و ضروری است.

۲- آنچه در مورد شخصیت محمد بن حنیفه قطعی است، مبرز بودن جایگاه معنوی و شایسته و تقرب وی به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آل علی علیه السلام است، چه آن‌که محمد فرزند امام علی علیه السلام و برادر امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و عموی امام سجاد علیه السلام بود و با توجه به عنایاتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام قبل از تولدش به او داشتند، از نظر شیعه فردی محترم و شایسته‌ی پیروی معنوی دانسته شده است؛ حتی محتمل است به

۱. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۴۸ و ج ۴، ص ۱۰۵؛ رجال کشی، ص ۷۰.

خاطر همین جایگاه معنوی، بعضی از پیروان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله او را امام پنداشته باشند اما باین همه محمد بن حنیفه در جایگاهی نبود که با حضور حسنین علیهما السلام، پس از امام علی علیه السلام امام برخی از شیعیان قرار گرفته باشد.

لذا بحث امامت او پس از شهادت امام حسین علیه السلام و آن هم در پی یک سری علل و عوامل - که در نکته بعد یکی از مهم ترین آنها می آید - قابل طرح و بررسی است.

۳- قیامی که مختار در سال ۶۶ هجری به خون خواهی از قاتلان کربلا به راه انداخت، مأذون از محمد بن حنیفه بوده است<sup>۱</sup>، مختار با او مشورت کرد و از او اجازه قیام گرفت و پس از آن که به کوفه آمد و قیامش را اعلام کرد، به طور رسمی خود را نماینده محمد بن حنیفه معرفی کرد و شیعیان امر او را به دلیل فرمان محمد بن حنیفه پذیرفتند<sup>۲</sup>؛ و شاید همین مسئله آغازی بر اعتقاد به امامت محمد بن حنیفه در میان برخی از شیعیان گردید؛ اما این گفته که مختار معتقد به امامت محمد بن حنیفه بود و امامت امام سجاد علیه السلام را قبول نداشت، ثابت نشده است.<sup>۳</sup>

از این سه نکته که به عنوان قرائن تاریخی آورده شد و هم چنین با در نظر گرفتن آنچه منابع تاریخی و مهم فرقه شناسی درباره فرقه کیسانیه آورده اند و قرار دادن آنها کنار یکدیگر می توان چنین گفت که:

با توجه به شخصیت ممتاز و معنوی محمد بن حنیفه پس از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، از همان زمان امام علی علیه السلام و نیز پس از شهادت ایشان، محمد نیز از احترام و جایگاه ویژه ای نزد شیعه برخوردار بود و حتی مورد سؤال و محل رجوع شیعیان قرار می گرفت تا آنجا که برخی از شیعیان، پس از شهادت امام حسین علیه السلام به دلیل امتیازاتی که در او بود، او را امام پس از امام حسین علیه السلام دانسته اند و می توان آنچه را که در منابع مهم فرقه شناسی از جمله فرق الشیعه آمده است را این گونه توجیه کرد که اعتقاد به امامت محمد پس از امام علی علیه السلام، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام پیش آمده است و این که مختار از

۱. تاریخ طبری، ج ۶، الکامل، ج ۴ ص ۲۱۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۹۴.

۲. قیام مختار، ص ۱۳۸.

۳. منتهی المقال، کلمه مختار.

جانب محمد اجازه قیام داشت، می‌تواند به اثبات این احتمال کمک کند. پس می‌توان نقطه آغاز حیات فرقه کیسانیه را پس از شهادت امام حسین علیه السلام و اوج جنبش آن‌ها را در قیام مختار جست‌وجو کرد چنانچه شهرستانی<sup>۱</sup> منابع پیش از او<sup>۲</sup> نیز آورده‌اند: به پیروان مختار، مختاریه گفته می‌شد و هم اینان را نیز کیسانیه خوانده‌اند.

### شناسه‌ای از محمد بن حنفیه

او محمد اکبر بن علی بن ابی‌طالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی، معروف به محمد بن حنفیه است؛ و از مادری به نام خوله از خاندان بنی حنفیه و از کنیزان به غنیمت درآمده درنبرد یمامه در روزگار ابوبکر زاده شد و به همین سبب به ابن حنیفه شهرت یافت.<sup>۴</sup>

کنیه او ابا القاسم بود و هم نام و هم کنیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که امیر المؤمنین علی علیه السلام درباره نام و کنیه او از پیامبر اجازه گرفته بود چه این‌که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به زودی پس از من برای تو پسری متولد می‌شود، من نام و کنیه خود را به او بخشیدم و برای هیچ‌یک از امت من پس از او چنین چیزی روا نیست.<sup>۵</sup>

فرزندان او: عبدالله که کنیه‌اش ابوهاشم بود و حمزه، علی، جعفر، اکبر و حسن.<sup>۶</sup> در منابع شیعه و سنی او را به فضل و دانش ستوده‌اند و مورد احترام است. وی در شمار طبقه سوم تابعان قرار دارد و از پدرش علی علیه السلام و کسانی دیگر روایت کرده و فرزندانش و شماری چون امام باقر علیه السلام و عبدالله بن محمد عقیل و برخی دیگر از او نقل حدیث کرده‌اند.

او در زمان امیر المؤمنین علیه السلام در کنار حضرت بود و در نبردها کمک‌کار ایشان بود. در جنگ صفین امام علی علیه السلام به محمد حنفیه فرمان داد که به میمنه و میسرره و قلب

۱. الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۴۷.

۳. فرق الشیعه، ص ۳۱؛ المقالات و الفرق، ص ۲۶.

۴. الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۰۹ (ترجمه).

۵. همان، ص ۲۱۰.

۶. همان.



لشکر معاویه حمله کند و محمد، لشکر معاویه را در هم کوبید و جراحات زیادی برداشت و در حالی که به شدت منقلب و ناراحت بود به نزد امام علی علیه السلام آمد و حضرت وی را مورد تفقد خویش قرار داد و فرمود تو پسر منی و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام فرزندان پیامبرند آیا نباید در حفظ آنان کوشا باشیم؟ محمد گفت: خداوند مرا فدای شما و دو بر دارم گرداند.<sup>۱</sup>

این داستان دلالت بر شجاعت و فداکاری محمد بن حنفیه دارد ولی بعضی از منابع تاریخی در جریان این جنگ و به دوش گرفتن رایت جنگ توسط محمد بن حنفیه چنان نقل کرده اند که به نظر می رسد در بدوش گرفتن پرچم سپاه علی علیه السلام در جنگ جمل تردید داشت و حتی بر پدر خویش خورده گرفت و با بیان امثال این واکنش ها در پی آن هستند تا بگویند ابن حنفیه به لحاظ سیاسی، روشی مسالمت جویانه داشت.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام از محمد بن حنفیه ستایش کرده است.<sup>۳</sup> وی پس از شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام در کنار برادر خود امام حسن علیه السلام در مدینه زیست و پس از امام حسن علیه السلام چون خبر مرگ معاویه بن ابی سفیان به مدینه رسید حسین بن علی علیه السلام و محمد بن حنفیه و ابن زبیر در مدینه بودند و ابن عباس مقیم مکه بود؛ حسین علیه السلام و ابن زبیر به مکه رفتند و محمد هم چنان در مدینه ماند و همراه امام حسین علیه السلام به کربلا نرفت.

بعضی از دانشمندان و علمای شیعه دلایلی را در عدم همراهی محمد با امام حسین علیه السلام مطرح کرده اند که می توان آن ها را به چهار دسته تقسیم نمود:

۱. بیماری محمد بن حنفیه در موقع حرکت امام علیه السلام از مدینه و مکه.
۲. مأموریت یافتن از جانب امام حسین علیه السلام برای ماندن در مدینه.
۳. مکلف نشدن از جانب امام حسین علیه السلام به شرکت در قیام و همراهی با آن

حضرت علیه السلام.

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۸۴، ج ۴۲، ص ۱۰۵؛ رجال کشی، ص ۷۰.

۲. تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۵، ۲۴. ۴۴؛ البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۲۳۰؛ المنتظم، ج ۵، ص ۷۸؛

الفتنه و وقعة الجمل، ج ۱، ص ۱۰۷، ۱۳۶؛ وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۱.

۳. رجال کشی، ص ۷۰.



۴. قرار نداشتن نام محمد در شهدای کربلا در لوح محفوظ.<sup>۱</sup>

در واقعه حرّه و با نزدیک شدن لشکر مسرف به مدینه، محمد بن حنفیه، از مدینه به مکه کوچ کرد و با ابن عباس در مکه ماند. ابن زبیر در مکه برای خود از مردم بیعت گرفت و مردم را به حکومت خود فراخواند ولی، محمد بن حنفیه و چندی دیگر از بیعت با او خودداری کردند، لذا در مکه تحت فشار زبیریان قرار گرفت.<sup>۲</sup> ابن زبیر او را به همراه گروهی دیگر در شعب بنی هاشم در محاصره قرارداد و به روایتی در حجره‌ای که بر چاه زمزم بود زندانی کرد.<sup>۳</sup> محمد برای مختارنامه نوشت و از او یاری خواست، مختار پس از دیدن نامه او ضبیان بن عماره را با ۴۰۰ نفر و ۴۰۰ هزار درهم و با عده بسیار به مکه فرستاد.<sup>۴</sup> آنان با پرچم‌هایی که در دست داشتند به مسجدالحرام وارد شدند و با صدای بلند دعوی خون‌خواهی حسین بن علی علیه السلام می‌کردند تا به زمزم رسیدند. ابن زبیر همزم فراوانی به قصد سوزاندن آن‌ها فراهم کرده بود. آنان درب مسجدالحرام را شکسته و به ابن حنفیه دست یافتند... ابن زبیر به آنان رسید و گفت: «شگفتا از این چوب به دستان» (هنگامی که یاران مختار وارد حرم شدند به جای شمشیر چوب به دست داشتند، چون در حرم همراه داشتن شمشیر جایز نیست). ابن زبیر از آنان ترسید و از خروج ابن حنفیه جلوگیری نکرد، محمد به همراه ۴ هزار نفر به «دره علی» رفت و تا کشته شدن مختار در همان جا زندگی می‌کرد و در سال ۸۱ق در طائف از دنیا رفت.<sup>۵</sup>

طبق روایات و اقوال تعدادی از علمای بزرگ علم رجال، محمد بن حنفیه پس از شهادت امام حسین علیه السلام در مسئله امامت با امام سجاد علیه السلام مناظره کرد و بعد از آن که قضیه برای او ثابت شد، همانند بنده‌ای خاضع در مقابل امام سجاد علیه السلام تواضع و فروتنی و اطاعت داشت.

احتجاج محمد بن حنفیه در مقابل حجر الاسود با امام سجاد علیه السلام در مورد امامت در

۱. محمد بن حنفیه و قیام کربلا، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۴۰.  
 ۲. الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۱۹، (ترجمه).  
 ۳. طبری، تاریخ، ج ۳، ص ۴۷۳.  
 ۴. اخبار الدوله العباسیه، ص ۱۰۰.  
 ۵. فرق الشیعه، ص ۸۵ و ۸۶.

کتاب کافی آمده است<sup>۱</sup> و بعضی از علما می‌گویند با توجه به معرفت و کمالی که این شخصیت عالی‌قدر دارد محمد می‌خواست مقام امام سجاده علیه السلام را به بعضی از علاقه‌مندان خود بفهماند تا مبدا آنان بپندارند محمد به امام سجاده علیه السلام مقدم و افضل است البته بعضی از شیعیان چنین پنداری در مورد او داشتند و خود او مطلب را با امام مطرح کرد و امام با بردن عمویش نزد حجر الاسود قضیه را آشکار ساخت.

اما آنچه در مورد شخصیت محمد بن حنفیه قطعی است این است که بعد از این حادثه او دیگر ادعایی نسبت به امامت نداشت. حتی بعضی از افراد را هم که امامت او را مطرح می‌کردند به امامت امام سجاده علیه السلام رهنمون شد از جمله ابو خالد کابلی.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: ... در بیماری محمد بن حنفیه من در کنارش بودم و خودم چشم او را بستم و غسلش دادم و کفنش کردم و نماز بر او خواندم و او را به خاک سپردم.<sup>۳</sup> حیان سراج از جمله کسانی بود که معتقد به امامت و غیبت محمد بن حنفیه بود و همان‌گونه که کیسانیه معتقدند او نمرده و زنده است و نیز این اعتقاد را داشت.<sup>۴</sup> محاجه او با امام صادق علیه السلام در رجال کشی آمده است.

### شناسه‌ای از مختار

مختار بن ابی عبید بن مسعود بن عمرو بن عقده بن قسی بن منبه بن بکر بن هوازن از قبیله قسی و ثقیف است و قبیله مشهور ثقیف از اعراب منطقه طائف است؛ کنیه او ابواسحاق<sup>۵</sup>، لقب او کیسان<sup>۶</sup> و فرقه کیسانیه منسوب به اوست.<sup>۷</sup> چنانچه در بحث وجه تسمیه کیسانیه آورده شد بنا بر یک دسته از روایات کیسان لقب مختار است چنانچه

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۴۸.

۲. رجال کشی، ص ۱۲۰؛ بحار الانوار، ص ۴۵، ص ۳۴۸.

۳. رجال کشی، ص ۳۱۵، حدیث طولانی بود و فقط ذیل حدیث آورده شده است.

۴. رجال کشی، ص ۳۱۵، (شرح حال حیان سراج).

۵. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۷؛ الکامل، ج ۴، ص ۲۲، مروج الذهب، ج ۳، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۵۰؛ انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۱۴.

۶. رجال کشی، ص ۱۲۸.

۷. وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۲.

جوهری در صحاح آورده است.<sup>۱</sup> او در سال ۶۷ هـ درگذشت.<sup>۲</sup> صاحب تاریخ فخری می‌گوید: مختار با شرافت نفس و علو همت و بزرگواری پرورش یافت.<sup>۳</sup> گزارش‌های متفاوتی درباره مختار رسیده است، درحالی‌که در برخی از منابع از مختار تجلیل و یا از او و تشیع وی دفاع می‌شود<sup>۴</sup> در منابعی دیگر از او به‌عنوان یک عثمانی سخن به میان می‌آید<sup>۵</sup> و یا خارجی قلمداد می‌شود.<sup>۶</sup> اخبار و روایاتی که درباره مختار از ائمه علیهم‌السلام رسیده بر دو قسم است:

۱. اخباری در مدح و ستایش؛ ۲. اخباری که در مذمت اوست.

اما اخبار در مدح و ستایش او قوی‌تر و برتر است.<sup>۷</sup>

هم‌چنین در مورد مختار اتهاماتی مانند جعل نامه از سوی محمد بن حنیفه و این‌که مختار کسی است که به امامت محمد بن حنیفه دعوت کرد و یا ادعای مهدویت و دریافت وحی و نبوت از سوی او.<sup>۸</sup> اما تمامی اتهامات علیه او قابل‌تردید و محل دقت بیشتر است هم به لحاظ سندی مورد اشکال است هم این‌که معمول اتهامات وارده توسط دشمنان مختار از مذاهب مخالف نقل شده است.<sup>۹</sup>

قیام مختار یک قیام شیعی بود که در منطقه کوفه واقع شد و با شعار انتقام شهدای کربلا در سال‌های ۶۶ و ۶۷ هـ اتفاق افتاد بعد از قیام تواین شکل گرفت که بین این دو قیام ارتباط وجود دارد.

۱. صحاح، ج ۲، ص ۹۷۰، کلمه کیس.

۲. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۱۶؛ اخبار الطوال، ص ۳۱۵ (ترجمه).

۳. الفخری، ص ۸۹.

۴. در بحار الانوار به نقل از امامان شیعه روایت‌هایی در ستایش مختار و جلوگیری از ناسزاگویی به او آمده است؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۲. ۳۵۰.

۵. انساب الاشراف، ج ۴، ص ۱۲۲.

۶. الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۴۷؛ انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۱۷.

۷. معجم الرجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۹۴.

۸. مسند، ج ۵، ص ۲۲۳؛ عقد الفرید، ج ۷، ص ۲۷۷.

۹. افرادی از مذهب مخالف مختار مانند ابن کثیر در البدایه و النهایه و ابن خلکان در وفیات الاعیان نام مختار را با لقب کذاب یاد می‌کنند.

### مشروعیت قیام مختار

پس از آن که مختار دعوت به قیام می‌کند و از سران شیعی کوفه دعوت به همکاری می‌نماید، تعدادی از سران کوفه برای روشن شدن این مطلب که آیا دعوت به قیام مختار از جانب محمد بن حنفیه یا امام سجاد علیه السلام هست یا نه عازم مدینه می‌شوند و قصد می‌کنند اگر ایشان مختار را تأیید و تصدیق کردند و اجازه دادند، به او بپیوندند و اگر انکار کردند، از کمک به او امتناع کنند.<sup>۱</sup>

محمد بن حنفیه در پاسخ به این گروه گفت:

«به خدا سوگند، دوست دارم خداوند به وسیله هر یک از بندگان خود، انتقام ما را از دشمنانمان بگیرد؛ و این نظر من است و برای خودم و شما آرزوی آمرزش می‌کنم.»<sup>۲</sup>

پس از آن، محمد بن حنفیه، ادامه می‌دهد: برخیزید دست جمعی برویم خدمت امامان علی بن حسین علیه السلام و از او کسب تکلیف کنیم. آن جمع به همراه محمد بن حنفیه خدمت امام سجاد علیه السلام می‌رسند، هنگامی که بر امام علیه السلام وارد شدند، محمد بن حنفیه علت آمدن آن گروه را به امام علیه السلام عرض و کسب تکلیف می‌کند. امام سجاد علیه السلام در پاسخ به محمد و سران شیعه چنین فرمودند:

«ای عمو جان! اگر بنده‌ای از زنگبار، به حمایت ما اهل بیت علیهم السلام برخیزد بر مردم واجب است او را یاری دهند و من تو را در این امر (قیام) نماینده خود قراردادم، پس به آنچه صلاح می‌دانی در این زمینه عمل کن.»

پس سران شیعه خارج شدند در حالی که می‌گفتند: زین العابدین علیه السلام و محمد بن حنفیه به ما اذن قیام داده‌اند.<sup>۳</sup>

### وضعیت شیعه به لحاظ کمی و کیفی پس از شهادت امام حسین علیه السلام

پس از واقعه کربلا در سال ۶۱ هجری، شیعیان در بدترین شرایط از لحاظ کمی و کیفی و نیز موقعیت سیاسی و اعتقادی قرار گرفتند. کوفه که مرکز شیعه بود، تبدیل به

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۹۴.

۲. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۱۳؛ الکامل، ج ۴، ص ۲۱۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۶۵.



مرکزی برای سرکوبی شیعه گردید. کربلا از نظر ظاهری شکست بزرگی برای شیعه بود و پس از آن، این گونه به نظر می‌رسید که دیگر شیعیان نمی‌توانند سر برآورند. تعدادی از اهل بیت علیهم‌السلام و در رأس آن‌ها امام حسین علیه‌السلام به شهادت رسیدند و تنها یک نفر از فرزندان ذکور امام حسین علیه‌السلام از نسل حضرت فاطمه علیها‌السلام باقی‌مانده بود که البته در آن شرایط برای عموم جامعه شیعه شناخته‌شده نبود، به‌خصوص که فرزند بزرگ امام حسین علیه‌السلام یعنی علی‌اکبر علیه‌السلام نیز به شهادت رسیده بود. زندگی امام سجاد علیه‌السلام در مدینه و دور از عراق، فرصت هدایت جریان شیعی باقی‌مانده در کوفه را از امام گرفته بود.

از طرفی حکومت اموی بر این گمان بود که اصل شیعه یعنی امام حسین علیه‌السلام و امامت را از بین برده است. زنده ماندن امام سجاد علیه‌السلام در کربلا علاوه بر این‌که امری غیرعادی به نظر می‌رسد از نظر امویان آن‌چنان مورد اهمیت قرار نگرفت چراکه امویان به ظن خود هر آن‌کس را که احتمال رهبری شیعیان به او نسبت داده می‌شد در کربلا به شهادت رسانده بودند و آن زمانی که عیدالله بن زیاد پس از واقعه کربلا با امام سجاد علیه‌السلام روبرو شد و نام حضرت علیه‌السلام را از ایشان پرسید، امام علیه‌السلام خود را علی معرفی کردند. ابن زیاد گفت مگر خداوند علی بن الحسین علیه‌السلام را نکشت؟، امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: برادری داشتم که مردم او را کشتند. ابن زیاد گفت: خداوند او را کشت. امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: ﴿الله يتوفى الانفس حين موتها﴾. ابن زیاد در اینجا خواست امام سجاد علیه‌السلام را به شهادت برساند؛ که با اقدام شجاعانه حضرت زینب علیها‌السلام از این کار منصرف گردید.<sup>۱</sup>

هم‌چنین در تمامی مدت اسارت امام سجاد علیه‌السلام به همراه دیگر اسیران کربلا، امام از شهادت به دست یزیدیان به‌صورت معجزه‌آسایی نجات یافتند تا آن‌که پس از بازگشت از شام به مدت ۳۲ یا ۳۳ سال در شهر مدینه اقامت گزیدند.

دوران امامت امام سجاد علیه‌السلام به خاطر شرایطی که پس از کربلا برای جامعه شیعه و در رأس آن‌ها اهل بیت علیهم‌السلام رخ داده بود، عصر اختناق و فشار بود و امکان شناسایی و مراجعه مستقیم محبین و شیعیان به امام سجاد علیه‌السلام فراهم نبود. لذا امامت پس از امام حسین علیه‌السلام برای باقی‌مانده جامعه شیعه در هاله‌ای از ابهام قرار داشت؛ اما به‌رحال امام

۱. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۲۳۱.

سجاد علیه السلام می‌بایست کار هدایت و تربیت جامعه شیعه را به دست می‌گرفتند و برای نیل به این منظور حضرت علیه السلام تدابیر بسیار دقیق و به‌جایی را در نظر گرفتند. اولین چیزی را که باید حضرت علیه السلام به آن می‌پرداختند احیای امامت در بین شیعیان بود و امری بسیار سخت و دشوار می‌نمود چراکه اگر حضرت به تبلیغ عمومی و علنی درباره این امر می‌پرداختند، حاکمان اموی پس از قضیه کربلا که در مورد ایشان بسیار حساس شده بودند، به حذف فیزیکی امام علیه السلام مبادرت می‌ورزیدند و تمامی طرح امامت از بین می‌رفت و از طرفی محبین و شیعیان موجود در سطحی از رشد و درک و فطانت قرار نداشتند که در صورت معرفی حضرت علیه السلام، بلافاصله به حمایت و اطاعت از او همت بگمارند.

### امام سجاد علیه السلام قیام مختار و هدایت شیعیان

به نظر می‌رسد یکی از تدابیر امام سجاد علیه السلام عدم جلوگیری از مراجعه شیعیان به فرد دیگری از خاندان اهل بیت علیهم السلام بود، لذا ارجاع مختار توسط امام سجاد علیه السلام به عمویش محمد بن حنفیه و کناره‌گیری از رهبری مستقیم و یا پشتیبانی معنوی قیام مختار را می‌توان از این منظر تحلیل کرد. از آثار این کار، ایجاد امنیت برای امام علیه السلام، مشغول کردن ذهن دشمن و جاسوسان آن به غیر امام علیه السلام و مصونیت آن حضرت علیه السلام از خطر بود. علاوه بر این فواید، این تدبیر سبب می‌شد که شیعیان به‌صورت غیرمستقیم به امر هدایت نزدیک شوند و زمینه برای شناسایی امام علیه السلام در زمان‌های دیگر برای افرادی که به دنبال این امر بودند فراهم گردد.

با همین نگرش از ناحیه امام علیه السلام به مختار و قیام او، حضرت علیه السلام مردم و انقلابی‌ها را به همراهی با مختار تشویق و ترغیب می‌کردند و به عمویشان محمد می‌فرمودند: ای عمو! اگر برده سیاهی برای ما اهل بیت علیهم السلام قیام کند، بر مردم است که او را یاری رسانند و من تو را بر این امر گماردم. پس هر چه خواهی کن. آنگاه آنان (هیئتی که از کوفه به مدینه رفته بودند تا در مورد تأیید یا عدم تأیید مختار تحقیق کنند) پس از شنیدن کلام امام خارج شدند درحالی که می‌گفتند: زین العابدین علیه السلام و محمد بن حنفیه به ما اجازه دادند.

بنا بر آنچه آمد طرح پیشوایی محمد بن حنفیه چه برای قیام مختار و چه برای عموم شیعیان و محبین اهل بیت علیهم السلام پس از امام حسین علیه السلام در واقع یک طراحی و تاکتیک از ناحیه خود امام سجاد علیه السلام و با همراهی محمد می تواند قلمداد شود که بسیار زیرکانه و باعث انسجام و تربیت دوباره شیعه و حفظ بقیه شیعیان در اقصی نقاط سرزمین اسلامی گردید تا موقعیت‌های بعدی برای امام علیه السلام و شیعیان فراهم گردد.

وجود مقدس امام سجاد علیه السلام با اتخاذ این تدابیر و دیگر تدابیر حکیمانه‌شان توانستند کار شیعه را از صفر شروع کنند و در این راه یعنی هدایت، موفقیت زیادی کسب کردند. این موفقیت در تاریخ تأیید شده است زیرا امام سجاد علیه السلام توانستند شیعه را حیاتی نو بخشند و زمینه را برای فعالیت‌های آینده امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فراهم کنند. تاریخ گواه است که امام سجاد علیه السلام در طول سی و چند سال فعالیت، شیعه را از یکی از سخت‌ترین دوره‌های حیات خویش عبور داد. دورانی که جز سرکوبی شیعه به وسیله زبیریان و امویان نشان روشنی ندارد.

اما در این میان عده‌ای از شیعیان برای شناسایی امام زمان خود و اطاعت و حمایت از او به اندازه کافی تلاش و مجاهده نکردند و به هم آنچه بر سر زبان‌ها افتاده بود بدون هیچ تحقیق و حساسیتی و بعضاً از سر راحت‌طلبی‌هایی که در زمان امام حسین علیه السلام نیز از خود نشان داده بودند از ناحیه خود به امامت محمد بن حنفیه معتقد شدند و چون در صدد کشف واقعیتهایی که بعضی به آن دست پیدا کرده بودند - مانند ابو خالد کابلی - بر نیامدند در مهلکه امتحانات الهی افتادند و از آنان به عنوان کیسانیه در تاریخ یاد شد و هم اینان عده زیادی از جامعه شیعه را در حوادث بعدی در خطر انداخته و به نابودی کشاندند. همان‌طور که گذشت همین گروه بودند که به خاطر جدایی از امام زمان خویش از زمان امام سجاد علیه السلام تا زمان امامان صادقین علیهم السلام و عدم بازگشت به سوی آن بزرگواران، امامان اهل بیت علیهم السلام، خود و جامعه شیعه را دچار خسارت‌ها و حوادث ناگوار عظیمی کردند.



### نتیجه‌گیری

از دوران حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله کسانی در جامعه مسلمین حضور داشتند که به یاری و پیروی از امام علی علیه السلام شناخته شده بودند و اصطلاح «شیعه علی» در مورد ایشان به کار می‌رفت.

در دوران امامت امامان بعدی نیز این گروه امتداد پیدا کردند و در زمان قیام امام حسین علیه السلام این جامعه از شیعیان کاملاً آشکار و مشخص گردیدند. وجود چنین افرادی در زمان‌های بعدی نیز پایه‌های تشکیل اجتماعات بزرگ‌تر در شیعه را پدید آورد.

اما با وجود افراد پیرو از امامان اهل بیت علیهم السلام انحرافات در این جامعه پدید آمد که بعضاً منجر به پیدایش اعتقاد به امامت افراد دیگری غیر از ائمه علیهم السلام گردید، فرقه کیسانیه نیز به همین انحراف دچار شد و در مقطع پس از شهادت امام حسین علیه السلام و ماجرای کربلا عده‌ای از باقی‌مانده شیعیان و محبین اهل بیت علیهم السلام به امامت محمد بن حنفیه فرزند دیگر امام علی علیه السلام اعتقاد پیدا کردند و بنا بر شواهد و قرائن و استدلال‌هایی که آمد شکل‌گیری این فرقه پس از شهادت امام حسین علیه السلام صورت گرفت نه پس از شهادت امام علی علیه السلام.

## فهرست منابع

### الف) كتابها

- ۱- ابن اثير، عزالدين، **الكامل فى التاريخ**، دار صادر و دار بيروت، بيروت ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.
- ۲- ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، **المنتظم فى تاريخ الملوك و الامم**، تحقيق محمد و مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلميه، بيروت ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۲ م.
- ۳- ابن خلكان، **وفيات الاعيان**، تصحيح محمد محيى الدين عبدالحميد، دو جلد، مصر.
- ۴- ابن سعد، محمد، **الطبقات الكبرى**، دارصادر و داراحياء التراث العربى، بيروت ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
- ۵- ابن طقطقى، محمد بن على بن طباطبا، **الفخرى فى الآداب السلطانية و الدول الاسلاميه**، چاپ اول، منشورات الشريف الرضى، قم ۱۴۱۶ ق / ۱۳۷۳ ش.
- ۶- ابن عبد ربه، **العقد الفريد**، نه جلد، دارالكتب العلميه، بيروت ۱۹۸۳ م.
- ۷- ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل، **البداية و النهاية**، تحقيق مكتب تحقيق التراث و دار احياء التراث العربى، چهارده جلد، بيروت ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.
- ۸- ابن منظور، لسان العرب، **تحقيق و تعليق مكتب احياء التراث**، هجده جلد، چاپ سوم، دار احياء التراث العربى، بيروت ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۳ م.
- ۹- ابوعلی الحائرى، محمد بن اسماعيل المازندرانى، **منتهى المقال فى احوال الرجال**، هفت جلد، انتشارات سيد الشهداء عليه السلام، قم ۱۴۱۶ ق.
- ۱۰- احمد بن حنبل، **مسند**، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، دار الكتب العلميه، بيروت ۱۴۲۹ ق / ۲۰۰۸ م.
- ۱۱- **اخبار الدولة العباسية**، تحقيق عبدالعزيز الدورى و عبدالجبار مطلبى، دار الطليعة للطباعة و النشر، بيروت ۱۹۷۱ م.
- ۱۲- اشعرى، سعد بن عبدالله، **المقالات و الفرق**، تصحيح جواد مشكور، چاپ اول، انتشارات علمى و فرهنگى، تهران ۱۳۶۱ ش.
- ۱۳- اشعرى، ابوالحسن على بن اسماعيل، **مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين**، تحقيق محمد ماى الدين عبدالحميد، مكتبة النهضة المصرية، قاهره ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م.
- ۱۴- بغدادى، ابومنصور عبد القاهر بن طاهر تميمى، **الفرق بين الفرق**، تصحيح و تحقيق محمد محيى الدين عبدالحميد، مكتبة محمد صبيح و اولاده، مصر، بى تا.
- ۱۵- بلاذرى، احمد بن يحيى بن جابر، **انساب الاشراف**، شش جلد، تحقيق عبدالعزيز الدورى، چاپ اول، دارالنشر، بيروت ۱۳۸۹ ق / ۱۹۷۸ م.

- ۱۶ - جوهری، اسماعیل بن حماد، **تاج اللغة و صحاح العربية**، تحقیق احمد بن عبد الغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت.
- ۱۷ - خویی، سید ابا القاسم، **معجم الرجال الحديث**، مدينة العلم، قم ۱۴۰۹ ق.
- ۱۸ - دینوری، احمد بن داوود، **الاخبار الطوال**، تحقق عبد المنعم عامر، قاهره ۱۹۶۰ م.
- ۱۹ - رضوی اردکانی، سید ابوفاضل، **قیام مختار**، چاپ چهارم، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران ۱۳۸۷.
- ۲۰ - شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، **الملل و النحل**، تحقیق محمد سید گیلانی، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
- ۲۱ - شیخ طوسی، محمد بن حسن، **اختیار معرفة الرجال** (معروف به رجال کشی)، تصحیح و تعلیق حسن مصطفوی، چاپ اول، المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید، قم ۱۴۱۳ ق.
- ۲۲ - ضبی اسدی، سیف بن عمر، **الفتنة و وقعة الجمل**، تحقیق احمد راتب عرموش، دارالفنایس، بیروت ۱۳۹۱ ق.
- ۲۳ - طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الامم والملوک** (تاریخ طبری)، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۴ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۲۵ - مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۲۶ - مسعودی، علی بن حسین، **مروج الذهب**، ترجمه ابا القاسم پاینده، چاپ هشتم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۷ ش.
- ۲۷ - مظفر، محمدحسین، **تاریخ شیعه**، ترجمه محمدباقر حجتی، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۸ ش.
- ۲۸ - نوبختی، ابومحمدحسن بن موسی، **فرق الشیعه**، ترجمه و تعلیق محمدجواد مشکور، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۶.

#### ب) مقالات

- محمدعلی جلونگر، **محمد بن حنفيه و قیام كربلا**، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۸۱.

